

## ناسیونالیسم قومی کرد و اعمال ستم بر مردم کردستان!

عبدال گلپریان

مختصات باید مورد خطاب قرار داد.

ناسیونالیسم دنیای امروز را اکنون دیگر نمیشود با افق و اهداف و سیاستهای جریانانات ناسیونالیست استقلال طلب از استعمار و در اشکال کلاسیک اوایل قرن بیست جا زد و توضیح داد. با گذشت زمان، با تغییر و تحولات شگرف و عظیم دنیای کنونی، رونق و سپس گنبدیدگی نظم سرمایه، رشد و حضور مبارزه طبقاتی، تبدیل هر گوشه ای از جوامع به تقابل نود و نه درصدیها در مقابل یک درصدیها، ایفای نقش شگرف تکنولوژی در یک دهه اخیر و توقع و آرزوهای نود و نه درصدیها برای داشتن یک زندگی انسانی، نه تنها احزاب و نیروهای تحت نام ناسیونالیسم به بن بست رسیده را از موضوع خارج کرده است بلکه در ابعاد وسیعتری همان دولتهای سرمایه داری تازه استقلال یافته نیم قرن گذشته نیز در اوج بحران، بن بست و گنبدیدگی دست و پا میزنند و آنانرا در برابر یک مبارزه اجتماعی و طبقاتی قرار داده است.

در آغاز دهه سوم قرن بیست و یک هستیم. بنابراین ناسیونالیسم را نمیتوان با بکار بردن همین نام و ویژگیهای اوایل و اواسط قرن بیست برشمرد. این جریانانات بر بستر بحران و بن بست که در آن قرار دارند، سلاح پوسیده و زنگ زده قومی گری، عشائری، طایفه ای و اسلامی را بدست گرفته اند. رجعت به دوران طایفه گری و قومی اسلامی ننگی بر پیشانی تاریخ معاصر است. این جریانانات را اکنون با همین اسامی و

صفحه ۲

## زن ناموس هیچ کس نیست! اطلاعیه جمعی از فعالین حقوق زن در سنندج در محکومیت قتل ناموسی سرگل حبیبی!

صفحه ۲



## دختران شین آباد ۸ سال پس از جهنم؛ سهمیه کنکور میخواهند

صفحه ۳

اناز محمدی

## اعتراضات توده ای علیه احزاب حاکم در کردستان عراق!

صفحه ۳

نسان نودینیان

### محبوبه سجادی

## مادر عزیز و کمونیست خستگی ناپذیر درگذشت!

صفحه ۳

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

### سازماندهی فعالیت در محلات

صفحه ۴

گفتگو با نسان نودینیان در برنامه سازمانده در کانال جدید

## اخبار و گزارشات هفتگی از وضعیت زنان

صفحه ۵

عزیزه لطفی

## فاجعه سیل و آبگرفتگی در خوزستان

صفحه ۶

کمیته سازمانده واحد خوزستان

## مردم کردستان عراق میتوانند

صفحه ۶

عبدال گلپریان

### اطلاعیه های حزب

\*اعتصاب کارگران ذوب آهن اصفهان و بیانیه کارگران در گرامیداشت شانزده آذر  
\*اعتصاب ماشین سازی تبریز، بیانیه تشکلهای در مورد روز مبارزه علیه سانسور  
\*بیانیه شانزده آذر، نمادی از اتحاد ۹۹ درصدی های جامعه

صفحه ۷

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## زن ناموس هیچ کس نیست!

## اطلاعیه جمعی از فعالین حقوق زن در سندج در محکومیت قتل ناموسی سرگل حبیبی!



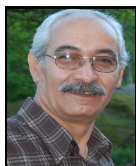
روز یکشنبه ۹ آذر ۹۹ در سندج، سرگل حبیبی ۳۱ ساله توسط برادرانش، حسن و اسماعیل مانند داعشیهها به شکل فجیعی سرش را از تن جدا کرده و به قتل رساندند. دادستان عمومی و "انقلاب" سندج ضمن تأیید این خبر، از بازداشت و انتقال متهمان به زندان خبر داده است. در قوانین مصوب حکومت تخفیف در مورد قتل‌های ناموسی در نظر گرفته شده است. همین تخفیف‌های مجازاتی در کنار ماساژات با ناموسپرستی و تبلیغات تبعیض آمیز در مورد زنان موجب رشد فرهنگ ضدیت با حقوق زن و همچنین مردسالاری شده است که قتل‌های ناموسی در پرتو این قوانین و این فرهنگ رایج اجرا و اعمال میشود.

طبق گزارشاتی که منتشر شده است، سرگل حبیبی قبلاً در بازداشت پلیس بوده است، با مراجعه خانواده به اداره پلیس قاضی کشیک بدون در نظر گرفتن شرایط امنیت جانی سرگل حبیبی، او را ساعت ۳ با مدت روز ۹ آذر تحویل خانواده‌اش میدهد که یک ساعت بعد حسن و حسین خواهرشان را به محلی خارج از شهر منتقل کرده و در نهایت بیرحمی او را به قتل می‌رسانند.

جمعی از فعالین حقوق زن

در سندج  
۱۶ آذر ۱۳۹۹

## از صفحه ۱ ناسیونالیسم قومی کرد و ...



## عبدل گلیریان

حزب سوسیالیست، و چندین مرکز پلیس و نهاد حکومتی از سوی معترضین و تظاهر کنندگان به آتش کشیده شدند. در دیگر شهرها مقر و مراکز احزاب حکومتی توسط معترضین به آتش کشیده شدند.

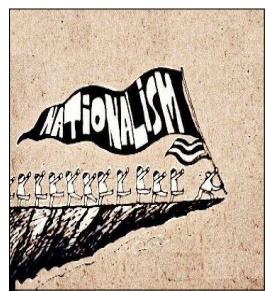
نمایندگان سه حزب اصلی، اتحادیه میهنی، حزب دمکرات و گوران برای شانه خالی کردن از زیر بار مسئولیت خود در قبال زندگی فلاکت بار مردم و عدم پرداخت حقوقهای معوقه آنان، حکومت مرکزی عراق را مقصر و بانی وضع موجود به مردم معرفی میکنند. مردم اما در اعتراضاتشان اعلام میکنند با ارسال و بدون ارسال سهم بودجه از سوی حکومت مرکزی، تباهی، فقر و ناداری آنان در سی سال اخیر یکسان بوده است و بیش از این حاضر نیستند به جهنمی که احزاب قومی اسلامی حاکم بر کردستان عراق برایشان بوجود آورده اند تن دهند.

آنچه که اشاره شد تنها گوشه ای از عملکرد سه دهه از حاکمیت احزاب قومی، عشیره و اسلامی حاکم بر کردستان عراق است. شراکت هر دو حکومت در بغداد و اربیل تنها برای غارت هستی مردم و تحمیل فقر، ستم و نابرابری هرچه بیشتر بر مردم کردستان و مردم در سراسر عراق است.

در بخش دوم به دورنمای آبرویاخته و به بن بست رسیده احزاب و جریانات قومی کرد "اپوزیسیون جمهوری اسلامی" خواهیم پرداخت که در انتظار نوبت برای تحمیل همین سناریو بر مردم کردستان ایران صف کشیده اند.

۹ دسامبر ۲۰۲۰

ادامه دارد



نمیدهد. ستم، استثمار، نابرابری و به فقر و فلاکت کشانیدن مردم کردستان عراق طی سه دهه اخیر نه از طرف حکومت مرکزی عراق بلکه از سوی همین جریانات حاکم بر اقلیم کردستان بر مردم روا داشته شده است.

در کردستان عراق اکنون دیگر پدیده ای بنام ستم ملی وجود خارجی ندارد و اگر ستمی بر مردم کردستان اعمال میشود، این ستم، ستمی طبقاتی و همزمان غارت هستی و دسترنج مردم از سوی احزاب قومی و اسلامی حاکم بر مردم کردستان است که جریان دارد.

بیش از یک دهه است که مردم کردستان عراق همانند مردم در سراسر عراق بارها به میدان آمده اند تا بساط ستمگران محلی را برچینند که هر بار با تعرض، قتل و کشتار معترضان از سوی نیروی پیشمرگ مسلح حکومتی روبرو بوده اند. اکنون دور تازه تری از خشم و اعتراض مردم، معلمان، کارمندان، زنان و جوانان علیه بساط این جریانات شروع شده است. اینبار هیچیک از این احزاب نمیتواند با پز اپوزیسیون بودن در مهار اعتراضات مردم بر سر آنان شیره بمالد. به آتش کشیدن دفاتر و مقرهای سرکوب شش حزب حکومتی از سوی مردم معترض در شهر سید صادق نشان دهنده اتمام حجت مردم با دستجات و احزاب حاکم بر اقلیم کردستان عراق است.

این اعتراضات از روز سه شنبه اول دسامبر با تظاهرات معلمان در اعتراض به پرداخت نشدن دستمزدهای معوقه آغاز شد. شهرهای دربندیخان، خورمال، سید صادق، کفری، کلاز، رانیه، چم، جمال، رزگاری، سلیمانیه، تکیه، شاره زور، دوکان، گرمیان، پینجین و چندین شهر و شهرک دیگر، محل اعتراضات بویژه در روز سه شنبه هشتم دسامبر بود.

در اغلب این شهرها از جمله در سیدصادق (روز دوشنبه هفتم دسامبر) و خورمال (سه شنبه هشتم دسامبر) مقرات احزاب حکومتی (اتحادیه میهنی، حزب دمکرات کردستان عراق، گوران، کومه ل اسلامی، اتحادیه اسلامی،

صدام حسین پیش رفتند اما طی تاریخ پر فراز و نشیبشان و در واقع نه برای رفع ستم ملی بلکه برای رسیدن به قدرت، چاپیدن هستی و ثروت و سامان مردم کردستان و اعمال ستم بر مردم کردستان، به جلو صحنه پرتاپ شدند. مقطع فروپاشی بلوک شرق و قلدری حاکمان وقت در آمریکا برای یکه تازی در جهان یک قطبی، قرعه پرش حاکمیت احزاب قومی کرد در کردستان عراق را به سینه طایفه طالبانی و عشیره بارزانی آویزان کرد.

سه دهه از آن تاریخ میگذرد. هر آنچه که از فلاکت، فقر، فاجعه، آوارگی، بی حقوقی، ترور، رواج دادن عقب مانده ترین فرهنگ و سنتهایی که تا قبل از آن موضوعیت نداشت، قتل و ترور زنان و روزنامه نگاران، ثروت اندوزی سران و اعوان و انصار هر دو حزب و دیگر احزاب هم پیمان و شریک در قدرت، به انحصار درآوردن منابع زیرزمینی و ثبت آنها به نام افراد قوم و طایفه و بالاخره تنیدن شبکه های مافیایی سود و ثروت که اکنون به قاچاقچیان بین المللی نفت تبدیل شده اند، افق، سیاست و عملکرد احزاب و جریانات حاکم بر کردستان عراق طی سه دهه اخیر بوده است.

با توجه به آنچه اشاره شد باید گفت که جنگ خلیج امکانی فراهم کرد تا احزاب ناسیونالیست قومی در کردستان عراق بعنوان شرکای حکومت مرکزی به ایفای نقش تاریخی خود به غارت هستی مردم کردستان عراق مشغول شوند. ادعای دیرینه شان مبنی بر، "رفع ستم ملی" نه تنها پوچ، ساختگی و ابزاری برای رسیدن به قدرت و ثروت بود بلکه امروز دیگر باید گفت که طی سه دهه اخیر نه دولت مرکزی بلکه احزاب قومی کرد ستم و نابرابری بر مردم کردستان اعمال کرده اند. ستم اعمال شده این احزاب امروز دیگر عمیقاً طبقاتی است. این جریانات با داعیه رفع ستم ملی امرشان شریک شدن در ثروت و قدرت بود و تاریخ سه دهه از سیاست و عملکرد حکومت اقلیم چیزی جز این را بدست

## محبوبه سجادی مادر عزیز و کمونیست خستگی ناپذیر درگذشت!

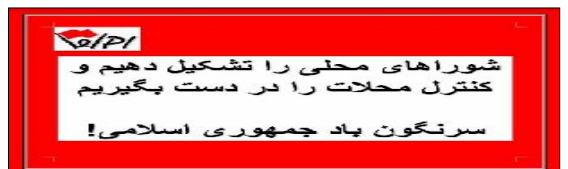


محبوبه سجادی در آرامش و در میان اعضای خانواده زندگی را در سن ۱۰۱ سالگی وداع گفت. مادر محبوبه شخصیتی مبارز، صمیمی و دوست داشتنی در میان خانواده های جانباخته و مردم مبارز شهر سنندج بود. او مادر دو مبارز کمونیست و عزیز صادق و محمد علی دو نفر از کادرهای کوله وزیری بود. در جریان بمباران شیمیایی حلبچه توسط صدام حسین و یورش نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی که گردان شوان در محاصره قرار گرفت همراه بسیاری از پیشمرگان گردان شوان کومله در سال ۱۳۶۶ جان باختند.

صادق در یک درگیری نظامی در پایگاه «باینجو» حومه شهر سنندج شش ماه قبل از فاجعه حلبچه جان باخت و محمد علی همراه با همسرش عزیزه اعظمی و محمود سجادی سیمای شناخته شده ادبی برادر محبوبه در جریان بمباران شیمیایی حلبچه توسط صدام حسین و یورش نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی که گردان شوان در محاصره قرار گرفت همراه بسیاری از پیشمرگان گردان شوان کومله در سال ۱۳۶۶ جان باختند. محبوبه علیرغم اینهمه داغ سنگین اما محکم و استوار ایستاد. او خود نیز یک کمونیست شریف و دوست داغدار کرد.

مادر محبوبه همانند سایر مادران مبارز در میان خانواده های

کمیته کردستان  
حزب کمونیست کارگری ایران  
۱۷ آذر ۱۳۹۹  
۷ دسامبر ۲۰۲۰



## دختران شین آباد ۸ سال پس از جهنم؛ سهمیه کنکور میخواهند

### انناز محمدی

درمان دختران شین آباد با شیوع کرونا متوقف شده و زخم بعضی از آنها عفونت کرده است. آنها از دولت می خواهند روند درمان، دوباره شروع و سهمیه ای ویژه در کنکور ۱۴۰۰ برایشان در نظر گرفته شود. آنها سال هاست هیچ روانشناسی را ندیده و افسردگی، ضعف حافظه، نداشتن تمرکز و گشادی دریاچه قلب از عوارضی است که گریبانگیرشان شده است.

«اسرین» نام کتابش را گذاشته: «از خاکستر خود برمی خیزیم». دختر بچه مغمومی که هشت سال پیش، نیمه پاییز، همراه ۲۷ دانش آموز دیگر در کلاس درس مدرسه انقلاب اسلامی شین آباد سوخت، حالا کتابی شصت صفحهای نوشته و از دوستانش خواسته از خاکستر خاموش و فراموشی آن آتش که صورت و دست و نفس و بچگی شان را با خود برد، بلند شوند که «هنوز می شود زندگی کرد».

اسرین معروفی، یکی از ۱۵ دانش آموزی است که بیشتر از بقیه همکلاسی ها سوختند؛ صورت و



میلیون تومان.

اسرین و همکلاسی هایش، همه هشت سال گذشته را زیر تیغ جراحی گذرانده اند؛ ۵۰ بار عمل شده اند و هر بار در عالم خواب و فراموشی، دیده اند که یک بار دیگر صورت هایشان، آن صورتهای ترد و تمیز، مثل روزهای قبل پانزدهم آذر ۱۳۹۱ شده است، دیگر خبری از آتش نیست، «سیران» و «ساریا» دود نشده و به هوا نرفته اند و آسمان شین آباد مثل معنی اسمش، برای همیشه آبی است و دیگر رنگش به سرخی نمی زند؛ به سرخی رنگ خون. حالا هجده سالگی آمده و همه آن ۱۵ دانش آموز، بزرگ شده اند، برای کنکور ۱۴۰۰ درس می خوانند، ذهنشان آشفته است و حافظه شان کم جان.

\*\*\*

انگشت های دست هایشان را از دست دادند و همه هشت سال گذشته را به رفت و آمد میان پیرانشهر و تهران گذراندند. آن ها که دختران شین آباد را می شناسند، خوب یادشان است حکایت پر آب چشم سوختن و رفت و آمد مدام را میان بیمارستان ها و وزارتخانه ها و خیابان پاستور و میدان بهارستان و باز بیمارستان. وعده ای هم که قرار بود بر اساسش، یک درمانگاه تخصصی برای دوا و درمان دخترها در شین آباد یا ارومیه تاسیس شود، هیچ وقت عملی نشد و مسیر ۱۸ ساعته تا تهران هنوز سر جایش است. پرداخت مستمری مادام العمر که دو سال پس از حادثه با دستور مستقیم حسن روحانی رئیس جمهوری برقرار شد اما هنوز پابرجاست؛ ماهی حدود یک

## اعتراضات توده ای علیه احزاب حاکم در کردستان عراق!

### نسان نو دینیان

اعتراضات توده ای علیه احزاب حاکم در کردستان عراق! در سال جاری میلادی فقط چهار ماه حقوق معلمان و کارمندان کردستان عراق پرداخت شده است. هفت ماه حقوق آنها توسط مفتخوران حاکم بالا کشیده شده است.

در تظاهرات مردمی در استان سلیمانیه در کردستان عراق، معترضان دفاتر احزاب «اتحادیه میهنی»، «جنش تغییر» و «حزب دمکرات کردستان عراق» را به آتش کشیدند.

۱۲ آذر صدها نفر از معلمان و کارمندان و مردم ناراضی در شهر سلیمانیه و کرکوک دست به راه پیمایی و تجمع در میدان مرکزی این شهر «میدان سرا» زدند.

در ۱۶ آذر بار دیگر در شهر «پیره



مگرون» از توابع استان سلیمانیه مردم ناراضی اقدام به آتش زدن دفاتر دو حزب اتحادیه میهنی و جنبش تغییر کردند. دفتر حزب حاکم (حزب دمکرات کردستان عراق. بارزانی) نیز به آتش کشیده شد. در میتینگ اعتراضی معلمان به حاکمان اقلیم کردستان اعلام کردند که بساط حاکمیت تان را جمع کنید، گورتان را کم کنید. شما مسبب تحمیل بیشترین بی حقوقی به ما و مردم در کردستان هستید.

۱۷ آذر ۹۹

## سازماندهی فعالیت در محلات

گفتگو با نسان نودینیان  
در برنامه سازمانده در کانال جدید



اعتراضات مردمی آشنایی پیدا کردیم و در عمل تأثیرات کارساز شوراها و کمیته های اعتراضی مردمی در محلات را تجربه کردیم. امروز بعد از گذشت چند دهه هر چند شرایط سیاسی و موقعیت و بافت اجتماعی شهرها تغییر بسیاری کرده است، از جمله محلات و شهرها در کردستان بزرگ شده اند و بافت اجتماعی آنها نیز تغییرات قابل توجهی کرده است، اما با این حال این سنت در جاهای مختلف و مناسبت های مختلف بکار گرفته شده و کارایی موثر خود را به نمایش گذاشته است. از جمله در دل همین شکل از فعالیت است که تعداد زیادی از جوانان و فعالین اجتماعی بعنوان اکتیویست های اجتماعی عروج پیدا کرده و به شخصیت های اجتماعی مورد اعتماد مردم در محلات تبدیل شده اند. و فعالیت در محلات هر روز ارتقاء بیشتری یافته و با کیفیت متفاوت تری جلو آمده است. اجازه بدهید مثالهایی بزنم. یک نمونه آن فعالیت اکتیویست های زیست محیطی است که در محلات شکل گرفت و گرامی داشت یاد جانباختگان زیست محیطی در محلات و شهرها نقش مهمی در تدارک و سازماندهی مراسم با شکوه برای شریف باجور و یارانش در مریوان داشت.

نمونه دیگر سازماندهی کمک رسانی به زلزله زدگان «زلزله» در استان کرمانشاه بود. این زلزله در ۲۱ آبان ۱۳۹۶ رخ داد و توده وسیعی از مردم در شهرها و محلات کردستان کاروانهای کمک رسانی خود را جهت ارسال به مردم این مناطق سازماندهی کرده و با عبور از سد ماموران امنیتی و چپاولگر حکومتی توانستند کمک هایشان را بدست مردم زلزله زده برسانند. و یا فراخوان سراسری «شننگال تنها نیست» در مرداد سال ۱۳۹۳ مردم شننگال در کردستان عراق که مورد حملات ضد انسانی داعش قرار گرفته بودند، در محلات سازمان یافت و نمونه قابل توجهی از دخالت مردم در محلات و شهرهای کردستان د ر امر مبارزاتی معینی بود. در خیزش آبان ماه ۹۸ نیز برای مدتی کوتاه در تعدادی خیابانی و دخالتگری موثر در

قبله در ارتباط با سازماندهی در محلات بحث و گفتگو داشته ایم. سازماندهی فعالیت در محلات یک تاکید حزب است و جایگاه و اهمیت سیاسی مهمی هم برای سازماندهی اعتراض علیه جمهوری اسلامی در همین امروز و هم در شرایطی که جامعه به پا می خیزد، دارد. در کردستان سازماندهی فعالیت در محلات یک سنت است و تاریخی دارد. از همین رو بیش از هر جایی در آنجا زمینه آماده است. از نظر شما امروز در شهرهای کردستان این سیاست را چگونه میشد به پیش برد و نکات مورد تاکید شما کدامند؟

**نسان نودینیان:** همانطور که اشاره کردید سازماندهی در محلات سیاست یا روش متشکل شدن مردم در محلات، مساله ای آشنا در کردستان است و شیوه ای از فعالیتست که سالهای متمادی بکار گرفته شده است. به عبارت روشنتر کنترل محلات و سازماندهی فعالیت در محلات امری است که تاریخ و سنت آن به چهار دهه گذشته بر میگردد. به ویژه مقطعی که حکومت اسلامی تلاش کرد حاکمیت ضد انقلابی بر مردم در ایران و کردستان اعمال کند، سعی کرد جلوی اعتراضات مردم را آنهم در فضای بعد از انقلاب بگیرد و عقب براند، مردم با بدست گرفتن کنترل محلات و ایجاد نهادهای مردمی خود با آن به مقابله برخاستند. من خودم در آن هنگام یعنی در سالهای ۵۸ و ۵۹ جوانی بودم که در سازماندهی محلات حضور فعالی داشتم و سازماندهی اعتراضات مردمی و دخیل بودن زن و مرد و جوان و سالمند در اعتراضات در محلات تجارب زنده ای برای شخص من و میتوانم بگویم برای مردم کردستان در پی داشته است که باید تجارب آنرا نوشت و از درسهای سود جست. در این فعالیت ها ما در آن زمان با مکانیسم و شیوه جمع کردن جوانان و ایجاد کانونهای مبارزه خیابانی و دخالتگری موثر در

از محلات شهرهای کردستان، مردم با سازماندهی اعتراضات و درست کردن سد و مانع در محلات، از حضور نیروهای سروکبر حکومت اسلامی جلوگیری کردند و به نوعی کنترل محلات را بدست گرفتند. بعد نیز با شروع بحران کرونا از سال ۹۸ ستادهای مقابله با کرونا و کمک رسانی در محلات در تعداد زیادی از شهرها شکل گرفت و ما شاهد بیشترین دخالت مردم و فعالین اجتماعی برای سازماندهی در محلات و رسیدگی به درد مردم، بودیم. این عرصه از فعالیت در دوره کرونا و با به میدان آمدن فعالین اجتماعی، با فعال کردن و بکارگیری میدیایی اجتماعی در جهت ایجاد کانالهای کمک رسانی عملا فاز نوبتی از سازماندهی فعالیت در محلات بود. از طریق این ستادها کمک رسانی در محلات در اشکال متنوعی از جمله تمیز کردن معابر عمومی در محلات، رساندن ماسک و امکانات دارویی و غذایی و در مواردی کمک مالی بخانواده هایی که در قرنطینه بودند و از حقوق دسترسی به مواد غذایی محروم بودند، انجام میگرفت. ایجاد ستادهای مقابله با کرونا در واقع اعتراض به حکومتی بود که در کنار کرونا ایستاده و مردم را بی تأمین به کام این بیماری مرگبار رها کرده بود. مثال دیگر به راه افتادن کارزار اعتراض به جاده های نا امن در مریوان است. در این شهر اخیرا در ابتکاری جالب در کانالهای تلگرامی طوماری اعتراضی با بیش از هزار امضاء در اعتراض به جاده های نا امن و با خواست جدا کردن جاده های ماشینهای سنگین از ماشین های شخصی انتشار داده شد و حول آن کارزاری علیه جاده های نا امن و تلفاتی که از مردم میگرفت، شکل گرفت. فعالین این کارزار از محلات بودند. مورد دیگری که باز اخیرا شاهدش بودیم در هفته گذشته در سنجند اتفاق افتاد و در آنجا فعالین در شهر و محلات علیه آلوده بودن آب شرب و آشامیدنی دست به اعتراض توده ای زده و با ابتکارات جالبی از کانال تلگرامی با شرکت بیش از شش هزار نفر خواستار درست کردن منابع آب شهر و تمیز کردن آب شرب در این شهر گردیدند. این اقدام نیز با دخالت موثر فعالین در سطح محلات و شهر و نهادهای اجتماعی و ورزشی انجام گرفت. خلاصه اینکه در شهرهای کردستان سازماندهی فعالیت در محلات و شهرها یک شکل عملی از سازماندهی اعتراض و مورد توجه طیف وسیعی از فعالین اجتماعی است و به موضوع کار و فعالیت آنها تبدیل

شده و هر روز ارتقاء بیشتری پیدا کرده و پیشرفته تر میشود. در این میان میدیای اجتماعی نقش مهمی در گردآوری نیرو حول مسایل مبارزاتی در محلات را دارد و وسیعا به کار گرفته شده و ابعاد کیفی و اجتماعی بیشتری به این فعالیت ها داده است. نکته حائز اهمیت در این شکل از سازماندهی بعد توده ای و اجتماعی آنست که محدود به فعالین حزبی نیست، بلکه شکلی از سازماندهی اجتماعی مبارزه در محلات و ظرفی برای سازماندهی همه مردم معترضی است که جانشان از این شرایط جهنمی به لب رسیده و میخواهند خود را از شر این وضعیت فلاکتبار رها کنند. به این معنا با این شکل از فعالیت ساکنین محلات و شهرها با هر عقیده و موقعیتی برای اعتراض و مبارزه مشترک سازماندهی و متشکل می شوند. وطبعاً انتظار میرود که فعالین حزبی و انسانیهای آزادیخواه در صف جلوی سازماندهی چنین فعالیت هایی در محلات باشند. از نظر من سازماندهی فعالیت در محلات آنهم با وجود میدیای اجتماعی و امکان شرکت و دخالتگری وسیع همه مردم از طریق آن در امر اعتراضات مردمی در محلات یک پیشروی مهم است و به امر سازماندهی اجتماعی و متشکل کردن محلات کمک ارزنده و کارسازی کرده است. ما نیز فوکوس ویژه ای بر روی این شکل از سازماندهی فعالیت در شهرهای کردستان داشته ایم.

**شهلا دانشفور:** تصویر جالبی از اشکال فعالیت در محلات و سازماندهی آن دادید. اینها همه تجربیات ارزنده ای است که قابل تکثیر در تمام شهرهاست. امروز با توجه به فضای سیاسی جامعه و نزدیک شدن به سالروز خیزش آبان ۹۸ چگونه میشود این فعالیت ها را ارتقاء داد و از این طریق بر فضای سیاسی جامعه تأثیر گذاشت و سازماندهی این فعالیت ها را گسترده تر کرد؟ چه انتظاری از فعالین و اکتیویستها، بویژه از فعالین حزب دارید؟

**نسان نودینیان:** ما فکر میکنیم این دوره وظایف بسیار مهمی بر روی دوش اکتیویستها و فعالین چپ و رادیکال و اعضای حزب قرار دارد. همانطور که اشاره شد سازماندهی فعالیت در محلات هم به معنای سازماندهی اعتراضات مردمی علیه جمهوری اسلامی بر سر مسائل مشخص امروزشان در محل است. اعتراض به بی آبی و قطع آب، قطع برق، صف های تهیه ارزاق و مواد

غذایی و نایابی آنها، کمبود مدرسه، مقابله با کرونا و اعتراض به عدم اختصاص تجهیزات لازم جهت مقابله با این بیماری هولناک، نا امنی جاده و غیره نمونه های از آنست که اعتراض علیه آنها در محلات سازمان می یابد. از سوی دیگر این فعالیت ها مسایلی فرا محلی مثل اعتراض علیه اعدام، برای آزادی زندانیان سیاسی، ایجاد گروههای کمک رسانی و همبستگی به مردم یک منطقه معین که دچار سیل یا زلزله و یا مشکل دیگر شده اند، یا حمایت از یک مبارزات معین کارگری و مردمی که بعدی اجتماعی یافته است، مثل حمایت از نیشکر هفت تپه و غیره را در بر میگیرد. اینها همه فعالیت هاییست که در محلات صورت میگیرد و میتواند انجام گیرد و انتظار است اکتیویست و فعالین حزب سازمانده این نوع فعالیت ها باشند. بطور مثال همانطور که اشاره کردید هم اکنون در سالگرد خیزش آبان با شعار نویسی، با پخش تراکت، با سر زدن به خانواده هایی که عزیزانی را از دست داده و یا عضوی از خانواده شان در زندان است میتوان ادامه اعتراض و ادامه آبان را عملا به نمایش گذاشت و یاد جانباختگان آبان ۹۸ را گرامی داشت. طبعاً این فعالیت ها همین امروز بستر گسترش اعتراض علیه جمهوری اسلامی است و بویژه با توجه به اینکه سیر اوضاع بسوی خیزشی به مراتب عظیم تر از آبان در حرکت است، سازماندهی فعالیت در محلات شرایط را برای به کنترل در آوردن محلات و ایجاد شوراهای سازماندهی اعتراضات در مقطعی که مردم بیرون ریخته اند و خیزشی دیگر بر پا شده است، فراهم تر خواهد بود و مردم سازمان یافته تر و قدرتمند تر و اجتماعی تر عمل خواهند کرد. توقع ما از اکتیویستها و فعالین حزب اینست که با چنین چشم اندازی فعالیت در محلات را سازمان دهند. در دل چنین فعالیتی است که اکتیویستها و سازماندهندگان اعتراض در محلات بیش از پیش به اتوریته های مردمی در محلات تبدیل میشوند. به عبارت روشنتر اینها کسانی هستند که همین امروز فریاد رس مردم و جامعه هستند. در درد و رنج و شرایط مشتقباری که حکومت اسلامی در دوره کرونا و و گرانی بر زندگی آنها تحمیل کرده است خود را شریک دانسته و در قلب مردم جا دارند. در یک کلام در شرایط کنونی محلات میتوانند کانونهای گرم و پر شور و تأثیر گذار در شهرها باشند.\*

**شوراهای سازماندهی اعتراضات را در همه جا ایجاد کنیم**



## عامل اصلی قتل سرگل حبیبی "قاضی کشیک دادگاه" سندیج است!

هنوز خون بر داسی که گردن رومینا اشرفی در خواب توسط پدرش برید شد خشک نشده است و توسط مردم ایران فراموش نشده است، تکرار آن اینبار در سندیج، سرگل حبیبی زنی ۳۲ ساله مادر دو کودک توسط برادرانش حسن و اسماعیل با فرمان غیره مکتوب "قاضی کشیک دادگاه" سندیج سرش را از تن جدا کردند.

شب یکشنبه، ۹ آذر ۱۳۹۹ برابر با ۲۹ نوامبر ۲۰۲۰ سرگل حبیبی زن جوان و مادر دو کودک، ساعت ۲۳ در منزل شخصی خود با یک مرد جوان توسط نیروهای کلانتری ۱۵ سندیج بازداشت و به زندان برده میشود. همان شب همسر سرگل حبیبی با خانواده پدر وی تماس برقرار میکند، از آنها می خواهد به کلانتری ۱۵ برای تحویل گرفتن سرگل بیایند چون او دیگر نمیخواهد سرگل را به خانه مشترکشان راه دهد.

در قوانین ارتجاعی و ضد زن رژیم اسلامی حکم رابطه زن دارای همسر با مرد دیگر سنگسار است.

"قاضی کشیک" در نهایت قضاوت و بی رحمی برای کم هزینه کردن پروسه بازجوی و تهیه مدارک و شواهد تشخیص داده است همین امشب قال قضیه را بکنند و قربانی را به دست قاتلینی میسپارد که میدانند آنها قربانی را بقتل میرسانند و برای قاتلین هم چون همخون خانوادگی هستند از قبل مجازاتشان تخفیف یافته است. در واقع قتل سر گل حبیبی با فرمان اشارتی و غیره صادر شده "قاضی کشیک" با همدستی همسر سرگل و با اجرائی برادران او بعد از یکساعت از تحویل انجام میگردد.

قتل ناموسی حاصل قوانین ارتجاعی ضد زن جمهوری اسلامی است!

مبارزه ما علیه قتل ناموسی صرفا يك مبارزه حقوقی، قضایی نیست؛ حتی پروسه قضایی مرحله

اولیه مبارزه علیه آن نیست، مبارزه علیه قتل ناموسی در وهله اول يك مبارزه فکری و سیاسی است. مبارزه قضایی عملا محصول پیروزی در این مرحله اول خواهد بود. مبارزه قضایی تحت رژیم اسلامی يك مبارزه بی حاصل و انرژی تلف کردن است. تمرکز خود را باید پیش و بیش از هر چیز بر تلاش برای ریشه کن کردن این پدیده و جا انداختن آن بعنوان پدیده ای زشت و شنیع در سطح عمومی جامعه و مبارزه برای به زیر کشیدن جمهوری اسلامی قرار دهیم.

قتل سرگل حبیبی کيفرخواست جنبش برابری طلبانه زنان ایران علیه کل دستگاه قضای ضد زن جمهوری اسلامی! در فدای سرنگونی کلیه جنایتکارانی که تحت نام "قاضی" مرتکب جنایت از نوع قتل سرگل حبیبی شدند باید در دادگاه عادلانه محاکمه و مجازات شوند.

فراخوان من به تمام احزاب، سازمانها، تشکلهای، نهادهای آزادیخواه و برابری طلب و همچنین به همه مردم و انسانهای آزادیخواه و شرافتمند این است در مقابل قتلهای ناموسی و قوانین ارتجاعی رژیم اسلامی دست به اعتراض بزنند.

۱۶ آذر ۱۳۹۹

از صفحه فیسبوک  
مریم افراسیابپور

## پیام جمعی از فعالین حقوق زن سندیج

زن ناموس هیچ کس نیست!  
در محکومیت قتل ناموسی سرگل حبیبی!

روز یکشنبه ۹ آذر ۹۹ در سندیج، سرگل حبیبی ۳۱ ساله توسط برادرانش، حسن و اسماعیل مانند داعشیهها به شکل فجیعی سرش را از تن جدا کرده و به قتل رساندند. دادستان عمومی و "انقلاب" سندیج ضمن تأیید این خبر، از بازداشت و انتقال متهمان به زندان خبر داده است. در قوانین مصوب حکومت تخفیف در مورد قتلهای ناموسی در نظر گرفته شده است. همین تخفیفهای مجازاتی در

کنار ماشات با ناموسپرستی و تبلیغات تبعیض آمیز در مورد زنان موجب رشد فرهنگ ضدیت با حقوق زن و همچنین مردسالاری شده است که قتلهای ناموسی درپرتو این قوانین و این فرهنگ رایج اجرا و اعمال میشود.

طبق گزارشات که منتشر شده است، سرگل حبیبی قبلا در بازداشت پلیس بوده است، با مراجعه خانواده به اداره پلیس قاضی کشیک بدون در نظر گرفتن شرایط امنیت جانی سرگل حبیبی، او را ساعت ۳ بامداد روز ۹ آذر تحویل خانوادهاش میدهد که يك ساعت بعد حسن و حسین خواهرشان را به محلی خارج از شهر منتقل کرده و در نهایت بیرحمی او را به قتل میرسانند.

ما فعالین حقوق زن در سندیج ضمن محکوم کردن قتل سرگل حبیبی و پدیده قتلهای ناموسی خواهان تغییر قانون تبعیض آمیز علیه حقوق زنان هستیم.

زن ناموس مرد نیست! قانون باید حقوق برابری زن و مرد را برسمیت بشناسد!

برای ریشه کن کردن قتلهای ناموسی، باید با اراده توده مردم و از جمله زنان بتوانیم در کنار تغییر قانون در مقابل فرهنگ ضد زن و فرهنگ عقبمانده مردسالاری هم مقاومت اجتماعی ایجاد کنیم که پدیده زشت و شنیع زن کشی و قتلهای ناموسی را به زیاده دان تاریخ بریزیم.

ما از همه سازمانها سیاسی، اجتماعی، تشکلهای کارگری و نهادهای اجتماعی، فرهنگی و همه انسانهای آزادیخواه و شرافتمند میخواستیم برای تغییر قانون تبعیض آمیز علیه حقوق زنان و همچنین در نقد و افشای پدیده عقبمانده فرهنگ ضد زن و مردسالاری با ما همصدا و با هم برای مجازات قاتلین زنان و نقض کنندگان حقوق زنان بمیدان بیایند!

جمعی از فعالین  
حقوق زن سندیج  
۱۶ آذر ۹۹

## انتقال مژگان کشاورز

روز شنبه پانزدهم آذرماه مژگان کشاورز از معترضان حجاب اجباری از زندان اوین به زندان شهری واقع در قرچک ورامین منتقل شد. مژگان کشاورز در دادگاه بدوی از حق

داشتن وکیل محروم بود و در شعبه بیست و هشت دادگاه انقلاب به ریاست قاضی محمد مقیسه به اتهامات واهی "اجتماع و تبانی علیه امنیت ملی، تبلیغ علیه نظام، توهین به مقدسات و تشویق مردم به فساد و فحشا از طریق کشف حجاب" به بیست و سه سال و شش ماه حبس محکوم شد. این حکم در شعبه پنجاه و چهار دادگاه تجدیدنظر به دوازده سال و هفت ماه حبس کاهش یافت. این انتقال در ادامه روند تبعید فعالین در زندانهاست که مدتی است جمهوری اسلامی به دست گرفته است.

## نیلوفر بیانی، فعال محیط زیست

نیلوفر بیانی، فعال محیط زیست و کارشناس موسسه حیات وحش پارسیان هم اکنون در حال گذراندن ده سال حکم حبس خود به اتهام جاسوسی است. او و همکارانش در موسسه حیات وحش پارسیان، متهم شدند که با استفاده از دوربین های عکس برداری از یوزپلنگ، اقدام به تصویربرداری از سایت های موشکی سپاه کرده و اطلاعات این سایتها را در اختیار سازمانهای اطلاعاتی خارجی قرار داده اند. اکنون رئیس برنامه محیط زیست سازمان ملل از مقامات جمهوری اسلامی خواسته است که نیلوفر بیانی و سایر دستگیر شدگان محیط زیست را آزاد کند. این مقامات حکومتد که علاوه بر همه جنایات ۴۰ ساله، به جرم تخریب محیط زیست باید به دادگاه سپرده شوند. فعالین محیط زیست و کلیه زندانیان سیاسی باید فوراً و بی قید و شرط آزاد شوند.

## انتقال سپیده فرهان

انتقال سپیده فرهان دانشجوی دریند به زندان قرچک در آستانه شانزده آذر. مصطفی نیلی، وکیل سپیده فرهان از تبعید موکلش از زندان اوین به قرچک خبر داد و در صفحه توئیتری اش چنین نوشت: سپیده فرهان از زندان اوین زنگ زد و گفت دستوری مبنی بر انتقال ایشان به زندان قرچک آمده و در حال جمع کردن وسایل و خداحافظی از دوستان است. فارغ از این که هیچ دلیلی برای تبعید ایشان وجود ندارد، انجام این امر در شرایط کرونا

را متوجه نمی شوم. يك روز هم نمی گذارند شاد بمانیم این انتقال در ادامه روند تبعید فعالین در زندانهاست که مدتی است جمهوری اسلامی به دست گرفته است. زن ستیزی جمهوری اسلامی در زندانها هم، نشانه هراس حکومت از زنان و از مبارزات جاری است.

## تبلیغات مدلینگ در کرمانشاه؛ شهروند دیگر بازداشت شدند

روز یکشنبه ۱۶ آذر، دو مدل زن و يك تصویر بردار در کرمانشاه که در امکان تاریخی این شهر اقدام به تهیه کلیپ تبلیغاتی و مدلینگ کرده بودند، بازداشت شدند. همچنین طی روز جاری رئیس پلیس امنیت عمومی استان کرمانشاه از بازداشت یکی دیگر از همکاران این شهروندان خبر داد. ورود به حریم خصوصی شهروندان و مداخله در امور فردی آنان از جمله انتقاداتی است که به نظام قضایی و انتظامی ایران وارد است.

## زندان قرچک ورامین؛ احضار گلرخ ایرایی به اطلاعات سپاه

گلرخ ایراهیمی ایرایی، زندانی سیاسی در زندان قرچک ورامین روز دوشنبه ۱۷ آذرماه طی احضاریه ای که در زندان به وی ابلاغ شد به بازداشتگاه اطلاعات سپاه احضار شد. گلرخ ایرایی با بیان این که اکنون دوران محکومیت خود را سپری می کند احضار خود را غیرقانونی خواند و از اعزام به بازداشتگاه این نهاد امنیتی خودداری کرد. دلیل احضار این زندانی سیاسی مشخص نیست؛ با این حال دستگاههای امنیتی سابقه طولانی در پرونده سازی برای زندانیان در شرف آزادی دارند؛ از جمله گلرخ ایرایی که به دلیل پرونده سازی در ایام زندان همزمان با پایان ۳ سال حبس خود به ۲۵ ماه حبس که اکنون مشغول تحمل آن است محکوم شد.

## کمپین محو خشونت علیه زنان در افغانستان

به مناسبت کمپین ۱۶ روزه محو خشونت علیه زنان، نمایش موتورسیکلیت رانی دختران در ولایت دایکنندی برگزار شد. در این نمایش ۱۰ تن از دختران موتورسیکلیت سوار شرکت نمودند. \* \* \*

## فاجعه سیل و آبگرفتگی در خوزستان



حدود یک هفته از بحران آب گرفتگی و بالا آمدن فاضلاب ها ناشی از بارش های اخیر در شهرهای خوزستان می گذرد. این یک اتفاق و رویداد تازه نیست و هر سال با کمترین بارندگی شهرهای خوزستان به زیر آب رفته و اکنون خیلی از راههای ارتباطی

بین مناطق شهری و همینطور راه های روستایی کاملاً مسدود شده است. خیابان ها در شهرهای اهواز، کارون، ماهشهر، سریندر و شهر چمران به دریاچه هایی از فاضلاب تبدیل شده و وارد منازل مردم گشته است. با گذشت شش روز از این موضوع، مردم در این مناطق سردرگم و حیران مشغول خالی کردن فاضلاب از خانه های خود هستند. اما حجم ورود آب های آلوده به منازل آقدر زیاد است که بدون امکانات و تجهیزات لازم، تخلیه آنها از منازل کاری بسیار دشوار است.

علاوه بر نیازهای فوری مردم به اقلام ضروری آنچه که موجب نگرانی جدی است شرایط غیر بهداشتی موجود و احتمال شیوع بیماری های مختلف عفونی، پوستی و گوارشی ناشی از آلودگی های فاضلاب است. در کنار فاجعه سیل و آبگرفتگی، وجود بیماری کرونا و لزوم رعایت پروتکل های بهداشتی برای جلوگیری از سرایت آن به این نگرانی ها دامن زده است. در ویدیوهای منتشر شده در شبکه های اجتماعی مردم این مناطق از ورود زالو و انواع انگل از طریق فاضلاب به منازل خود خبر میدهند.

امروز شنبه پانزدهم آذرماه مردم خشمگین سریندر در اعتراض به وضعیت غیر قابل تحملی که با آن مواجه هستند به شهرداری این شهر هجوم برده و در تجمعی اعتراضی بر اقدام فوری مقامات مسئول پافشاری کردند. در ماهشهر که بیش از پنج هزار واحد مسکونی خسارات جدی دیده اند نیز مردم با تجمع مقابل شهرداری خواهان محاکمه مسئولان شهر و همه مقصران این بحران شده اند.

در چنین شرایط اسفباری نیروهای سپاه به بهانه کمک به مردم وارد مناطق بحران زده شده اند و قیحانه تبلیغاتی مبنی بر اینکه سپاه

منجی و حامی مردم است به راه انداخته اند. اما واقعیت این است و مردم این را میدانند که سپاه دشمن مردم است و برای کنترل این مناطق و از بیم خیزش اعتراضی مردم خشمگین و به ستوه آمده وارد این مناطق شده و خود را مهیا می سازد تا در صورت بروز اعتراضات دست به سرکوب آن بزند.

همانگونه که در اطلاعیه قبل ذکر شده ضرورت دارد به سرعت شوراهای مردمی برای کمک به آسیب دیدگان تشکیل شود و با این اقدام مانع از دخالت نیروهای سرکوبگر سپاه به بهانه کمک رسانی به مردم و ممانعت هایشان شد.

تخلیه آب های آلوده از سطح خیابان ها و خانه های مردم و پس از آن گندزدایی و ضدعفونی کردن این مناطق نیاز فوری و عاجل مردم است. همچنین مردم به لباس، وسایل گرمایشی، پتو، شیرخشک برای کودکان و دیگر ملزومات ضروری زندگی نیاز دارند که باید فوراً توسط مقامات مسئول تامین شود.

بعلاوه در خلال این بحران مردم خسارات های جدی ای متحمل شده اند و باید خسارات وارده به مردم تمام و کمال جبران گردد. تا همین جای کار حکومت غارتگر از پذیرش مسئولیت و قصور خود شانه خالی کرده و مردم را بی پناه و مستاصل به حال خود رها نموده است. بنابراین واضح است در ادامه این وضعیت هم هیچگونه مسئولیتی در قبال تامین بهداشت و حفظ سلامت مردم و پرداخت خسارت را تقبل نخواهد کرد. تنها راه ممکن برای دستیابی به حقوق حقه شهروندان آسیب دیده اعتراضات متدانه خود مردم و حمایت های وسیع مردم است. در اینجا نیز فعالین عرصه های مختلف مبارزاتی نقش مهمی در بسیج حمایت های اجتماعی برای کمک رسانی به سیل زدگان خوزستان و تحمیل خواستها به حکومت را دارند. صدای سیل زدگان خوزستان باشیم.

کمیته سازمانده

واحد خوزستان

۱۵ آذر ۱۳۹۹

۵ دسامبر ۲۰۲۰

## مردم کردستان عراق میتوانند

### عبدل گلپریان

روز سه شنبه دوم نوامبر دور تازه ای از اعتراضات مردم بستوه آمده از دست احزاب ناسیونالیست حاکم بر کردستان عراق در شهر سلیمانیه آغاز شد. این اعتراضات بخاطر حقوقهای معوقه معلمان که چندین ماه است دستمزدشان را دریافت نکرده اند، با تجمع و حمایت بخشهای مختلف مردم تبدیل به اعتراضی عمومی تر شد. نیروهای احزاب ناسیونالیست کرد حاکم بر اقلیم کردستان بسوی مردم گاز اشک آور پرتاب کرده، تعدادی از جوانان را مصدوم و ۱۵ نفر را دستگیر کردند.

زنی همراه دخترش در این اعتراض میگوید، "پسرم بدلیل فقر و نداری خودکشی کرد. اکنون هم در جریان این اعتراضات همسرم دستگیر شده است و من مانده ام و دخترم. بدون حقوق نمیتوانیم زندگی کنیم. در این اعتراض شرکت کرده ام که بتوانم تاثیری بر بهتر شدن زندگیم داشته باشم".

مردم کردستان عراق بارها طی سالهای گذشته بدلیل عدم امکانات رفاهی نظیر کمبود آب و برق و دهها خواست و مطالبه ابتدایی و سربار همه اینها در اعتراض به دستمزدهای معوقه علیه مافیای دزد و چپاولگر احزاب حاکم بر کردستان عراق دست به شورش زده اند.

در سه دهه از حکمرانی طایفه طالبانی، جریان حلقه بگوش جمهوری اسلامی و عشیره بارزانی، مطیع و فرمانبر دولت ترکیه در کنار دیگر احزاب مرتجع اسلامی زندگی مردم کردستان عراق را به فقر و فلاکت کشانیده اند.

باید با تمام توان از مبارزات برحق مردم کردستان عراق حمایت کرد و سیاست و عملکرد احزاب ناسیونالیست، طایفه ای، عشیره ای و اسلامی حاکم بر کردستان عراق در ایجاد فقر و فلاکت بر مردم بایستی توسط هر انسان آزاده و شرافتمندی و از سوی هر جریان سیاسی و مترقی رسوا و محکوم شود.

آنچه که طی این سالها در ایجاد نا امنی، قتل و کشتار زنان، فقر و فلاکت، ترور فعالین سیاسی و روزنامه نگاران از یک سو و از سوی دیگر میلیاردر شدن طایفه بارزانی و عشیره طالبانی با ثروتهای بغارت برده شده



از هستی و دسترنج مردم شاهدش هستیم، آینه تمام قندی از افق و اهداف احزاب به اصطلاح اپوزیسیون مسلح در کمپهای کردستان عراق است که میکوشند آنرا در آینده به کردستان ایران صادر کنند.

قابل توجه آن بخش از مدافعان متوهم احزاب و جریانات قومی و ناسیونالیست کرد در کردستان ایران،

صحنه هایی که از سرکوب مردم معترض بارها در کردستان عراق شاهد بوده ایم، همان الگو و سوغاتی است که احزاب ناسیونالیست و قومی مستقر در کمپهای کردستان عراق خواب آنرا برای مردم کردستان ایران می بینند. آنچه که طی سه دهه اخیر در کردستان عراق و در سایه تفنگ بدستان این احزاب بر سر مردم کردستان عراق آورده اند، همان سوغاتی است که هر دو حزب دمکرات، هردو سازمان زحمتکش و همپیمان آنان میخواهند برای کردستان ایران به ارمغان بیاورند.

تنها ضامن برهم زدن این کپی برداری که احزاب قومی و ناسیونالیست کرد خواب تحقق آنرا برای حاکم شدن بر چند روستای مرزی کردستان ایران می بینند، حضور قدرتمند جنبشهای مدرن، مترقی و چپ اجتماعی در کردستان ایران است. کارگران، مردم، زنان و جوانان در شهرهای کردستان ایران، تجارب گرانبهایی در مبارزه علیه قوم گرایی، ناسیونالیسم و مذهب دارند و قطعاً اجازه نخواهند داد که میراث نکبت بار طالبانی و بارزانی توسط احزاب قومی جاخوش کرده در این کمپها حتی در ظرفیت کدخدا منشی بر چند روستا در کردستان ایران ابراز وجود کند. قطعاً مردم کردستان عراق میتوانند با مبارزه برحق خود توحش احزاب ناسیونالیست حاکم بر اقلیم کردستان عراق را افسار بزنند و یک زندگی شایسته انسان امروز را از طریق نمایندگان و شوراهای منتخب خود برای خود متحقق کنند.

۴ دسامبر ۲۰۲۰

### کمکهای مالی رسیده به کمیته کردستان حزب

۱۰۰ دلار  
۱۰۰ دلار  
۱۰۰ دلار  
۵۰ دلار  
۵۰ دلار

علا فرهاد پور  
مجید آذری  
صادق احمدی  
کومرث کرمانشاه  
وفا

جمهوری اسلامی نماینده مردم ایران نیست. قاتل آنها است.  
ناباید به رسمیت شناخته شود!

## اطلاعیه های حزب در مورد اعتصابات و اعتراضات کارگری

## اعتصاب کارگران ذوب آهن اصفهان و بیانیه کارگران در گرامیداشت شانزده آذر

روز ۱۶ آذر کارگران ذوب آهن اصفهان در اعتراض به پائین بودن دستمزد و تورم افسارگسیخته و پایین آمدن هر روزه سطح معیشت خود دست به اعتصاب زدند. گزارشهای بیشتر را بعدا به اطلاع میرسانیم

- دو تشکل سندیکای کارگران شرکت واحد و سندیکای نیشکر هفت تپه طی بیانیه ای ۱۶ آذر روز دانشجویان را گرامی داشتند. در بخش پایانی این بیانیه چنین آمده است: "ما ضمن گرامی داشت روز دانشجو، همبستگی و اتحاد روز افزون دانشجویان با جنبش کارگری و فرودستان را پاس داشته و خواهان توقف اذیت و آزار دانشجویان و آزادی بدون قید و شرط کلیه دانشجویان زندانی و فعالان جنبش های کارگری و اجتماعی هستیم". اتحاد بازنشستگان نیز در بیانیه جداگانه ای این روز را گرامی داشته است که در بخش آخر آن چنین آمده است: "ویروس کووید ۱۹ اگر چه در جامعه ی ما از رهگذر سیاست های ویرانگرانه ی حاکمیت، قتل عام کرده است، اما رفتنی است. اتحاد کرونا و حاکمیت دوام ندارد. تجربه و زندگی حکم می کند که امیدوارانه بگوئیم دانشگاه که باز شود بیش از هر زمان سنگر آزادی و پیشتاز تغییرات ساختاری در جامعه خواهد بود و در این مسیر همچنان سنت درخشان شانزده آذر الهام بخش جنبش دانشجویی خواهد بود". قبل از اینها نیز ۲۰ گروه و تشکل از دانشجویان، کارگران، معلمان، فعالین دفاع از حقوق کودک به استقبال شانزده آذر رفتند و آنرا گرامی داشتند. بیانیه های شانزده آذر امسال نمادی از اتحاد طبقاتی ۹۹ درصدی های جامعه و تائیدی بر تداوم خیزش آبان است.

پیش بسوی اعتصابات سراسری  
پیش بسوی ایجاد شوراهای  
حزب کمونیست کارگری ایران  
۱۷ آذر ۱۳۹۹، ۷ دسامبر ۲۰۲۰

## اعتصاب ماشین سازی تبریز، بیانیه تشکلهای در مورد روز مبارزه علیه سانسور

روز شنبه ۱۵ آذر ماه کارگران شرکت ریخته گری ماشین سازی تبریز برای سومین روز متوالی در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدها و همچنین با خواست لغو خصوصی سازی شرکت دست از کار کشیده و در مقابل درب شرکت تجمع کردند. پشت خصوصی سازی ها بساط چپاول و دزدی حکومت و مشتکی سرمایه دار دزد و مفتخور قرار دارد و تعرضی

همه جانبه به زندگی و معیشت کارگران است. کارگران شرکت ریخته گری ماشین سازی تبریز ۳ ماه است هیچ دستمزدی دریافت نکرده اند. در حرکت اعتراضی ۱۵ آذر کارگران ماشین سازی تبریز با بستن درب شرکت و ممانعت از ورود مدیرعامل به داخل شرکت خواستار پاسخگویی مقامات به خواسته هایشان شدند. کارگران معترض می گویند دولت قصد دارد با فروش این شرکت به بخش خصوصی بخشی از نیازهای خود را تامین نماید. کارگران بر امنیت شغلی و معیشت خود و همچنین پرداخت کامل و فوری طلبهایشان تاکید کردند.

- ۴ تشکل کارگری یعنی سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه، کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری و کمیته پیگیری برای ایجاد تشکل های کارگری طی بیانیه ای مشترک سیزدهم آذر ماه روز مبارزه با سانسور را گرامی داشتند. در این بیانیه از جمله چنین آمده است: "سیزدهم آذر روز مبارزه با سانسور است، سانسور یکی از ابزارهای مهم سلب آزادی به شمار می رود. سانسور به مانند سدی در برابر آزادی قلم و آزادی بیان است و ابزار یک سیستم بسته و دیکتاتوری است که در آن اکثریت انسان ها صدمه خواهند دید و بیشترین صدمه از آن طبقه کارگر و همه ستم دیده گان خواهد بود، جنبش های مختلف مانند جنبش کارگری و سایر اقشار حتی محیط زیستی نیز از سانسور لطمه دیده و به موجب آن سرکوب می گردند. ما بارها و بارها شاهد استفاده از تیغ تیز سانسور برای تسهیل در ضربات وارده بر قامت جنبش ها و فعالان، رهبران و پیشروان آنها بوده ایم. سانسور تامین کننده تاریکی مورد نیاز برای سرکوب است. با وجود این شمشیر دولبه سرکوب و سانسور علیه آزادی، هرگز جنبش های اجتماعی و فعالان آن سکوت نکرده، بلکه همواره بر علیه آن به مبارزه برخاسته اند. چنانکه مطالبات خود را با اعتصاب، تجمعات اعتراضی در خیابان ها و مقابل سازمانها و نهادها فریاد زدند. سانسور از مصادیق عینی، شفاف و آشکار سرکوب آزادی به شمار می رود....

یک درصدی ها با تمام امکانات، سازمانها و قوای نظامی و قضایی و اجرایی و قانون گذاری، قادر نخواهند شد که جوامع را به جزایر امن استثمار و ثروت اندوزی خود تبدیل کنند. چنان که شاهد درهم شکستن تمامی تلاششان برای رسیدن به اهداف خود

بوده و خواهیم بود. برای نمونه مبارزان نویسنده نیز مانند هزاران کارگر و رهبران کارگری دیگر به همراه رهبران و پیشروان جنبش کارگری و سایر اقشار اجتماعی در زندان بسر می برند. به یقین بر این باوریم کارگران و زحمتکشان بدون اتحاد و همبستگی و ابزارها و قدرت اجتماعی و شورایی و اتحادیه ای و سندیکایی خود و ایجاد توازن قوای لازم نمی توانند آزادی های ممکن را ایجاد کنند. زیرا سیستم سرمایه داری برای غارت بیشتر نیاز به سانسور و عدم آگاهی طبقاتی دارد. زنده باد اتحاد کارگران و زحمتکشان برای لغو سانسور".

حزب کمونیست کارگری همراه با کارگران سیزدهم آذر روز مبارزه علیه سانسور را گرامی میدارد.

پیش بسوی اعتصابات سراسری  
پیش بسوی ایجاد شوراهای  
حزب کمونیست کارگری ایران  
۱۵ آذر ۱۳۹۹، ۵ دسامبر ۲۰۲۰

## بیانیه شانزده آذر، نمادی از اتحاد ۹۹ درصدی های جامعه

امسال تشکلهای دانشجویی، کارگری و و فعالین اجتماعی و کارگری از مراکز مختلف به استقبال ۱۶ آذر رفته اند و برگی از اتحاد ۹۹ درصدی های جامعه را در مقابل اقلیت حاکم به نمایش گذاشته اند. بیست گروه و تشکل و جمع از دانشجویان، کارگران، فارغ التحصیلان، ورزشکاران، و فعالین دفاع از حقوق کودک در سیزدهم آذر ماه بیانیه مشترکی به مناسبت شانزده آذر روز دانشجو تحت عنوان "دانشگاه زنده است" منتشر کرده اند. تاکید اساسی این بیانیه بر مبارزه متحد همه بخشهای جامعه و ادامه آبان است. امضا کنندگان این بیانیه عبارتند از: تشکل مستقل دانشجویان پیشرو دانشگاه اصفهان، جمعی از دانشجویان و فعالین دانشگاه بهشتی تهران، جمعی از دانشجویان و فعالین دانشگاه علامه تهران، جمعی از دانشجویان و فعالین دانشگاه هنر تهران، جمعی از دانشجویان و فعالین دانشگاه آزاد نجف آباد اصفهان، جمعی از دانشجویان و فعالین دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، جمعی از دانشجویان و فعالین دانشگاه الزهرا تهران، جمعی از دانشجویان و فعالین دانشگاه پیام نور تهران جنوب، انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه، سندیکای نقاشان البرز، فعالین کارگری سقز، فعالین لغو کار کودکان، ورزشکاران رزمی کار کرمانشاه، فارغ التحصیلان رشته شیمی دانشگاه رازی کرمانشاه، کارگران پتروشیمی سبلان عسلویه، کارگران پتروشیمی جم

عسلویه، کارگران پتروشیمی بو شهر عسلویه، کارگران پتروشیمی صدف عسلویه، و کارگران پتروشیمی دماوند عسلویه.

بیانیه ۱۶ آذر بر نقش برجسته جنبش دانشجویی در طول ۴۲ سال گذشته بعنوان بخشی از کل جامعه علیه سرکوب، واپسگرایی، تبعیض به هر شکل آن، استثمار، فقر، گرسنگی، بیکاری، زندان و شکنجه و اعدام تاکید میکند و ضمن اشاره به نقش مبارزاتی فعال دانشجویان در کنار بخش های دیگر جامعه و بطور ویژه در همبستگی با اعتصاب قدرتمند کارگران هفت تپه و فولاد اهواز با شعار "فرزند کارگرانیم، کنارشان می مانیم" در سال ۹۷ و نیز در خیزش مردمی آبانماه و تحولات سیاسی بعد از آن، چنین ادامه می یابد "ما دانشجویان، کارگران، معلمان، پرستاران و همه مردم تحت ستم و آسیب دیده، یای حرف آبان مان ماندیم و حرف آخر را همان اول زدیم: تغییر ریشه ای در تمام مناسبات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی؛ فوراً و بدون هیچ تخفیفی".

و بالاخره در بخش پایانی این بیانیه با تاکید بر ضرورت فعالیت مداوم و مشترک تشکل ها و جمع های کارگری، دانشجویی، زنان، معلمان، بازنشستگان و بخش های مختلف مردم ستم دیده جامعه بعنوان تضمینی برای پیشروی عمومی و همه جانبه برای احقاق تمام حقوق از دست رفته چنین آمده است: "ما دانشجویان، فارغ التحصیلان، بیکار، کارگران، ورزشکاران، معلمان و فعالین دفاع از حقوق کودک اعلام می کنیم در تداوم روند اشاره شده و در راستای هرچه بیشتر قدرتمندتر کردن مبارزات توده ای، فراخوان ۱۶ آذر امسال، چیزی جز ادامه مبارزات سراسری دانشجویان، گروه های محله ای، کارگری، زنان، فعالین محیط زیست، معلمان، دانش آموزان و ... نیست. همانطور که تا کنون در هر تحریک و جنبش اجتماعی حاضر بوده ایم، تمام وقایع پیش رو را نیز با حضور اعتراضی خودمان به سکوی برای پرواز آزادی خواهی در آسمان سیاسی کشور تبدیل خواهیم کرد؛ و در این راه پر فراز و نشیب نشان خواهیم داد که نه سرکوب، نه جنایت، نه اعدام، نه بازداشت، نه شکنجه، نه احکام سنگین و وثیقه و نه شیوع کرونا و نه هیچ عامل دیگری نمی تواند ما را از پیشبرد مبارزاتمان برای برخورداری از زندگی آزاد و برابر باز دارد".

با چنین عزم و در چنین ابعادی امسال جامعه به استقبال شانزده آذر میرود. زنده باد ۱۶ آذر زنده باد اتحاد ۹۹ درصدی های جامعه علیه حاکمین سرمایه!

حزب کمونیست کارگری ایران  
۱۵ آذر ۱۳۹۹، ۵ دسامبر ۲۰۲۰

تلفن و ای مایل آدرس تماس با سردبیر  
Tel: 00358405758250  
E-mail: abdolgolparian3@gmail.com

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!